

## «نو» چیست؟

نوشته Alice S. Beer  
از Music Educators Journal

«تازه» چیست؟ دانا میگوید: در زیر آسمان هیچ چیز تازه‌ای نیست. و آموزگار فرسوده کودن وار شکوه سر میدهد که «هیچ چیز».

آیا حق با ایشان است؟ آیا در جهان هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد - در باره قلمرو وسیع اندیشه‌ها چه می‌توان گفت؟ آدنی استمدادی بی‌نظیر در چیدن افکار و حقایق کهن به‌شکلی دیگر گونه در کنار هم دارد چندانکه از مجموعه آنها چیزی تازه پدید می‌آید. و این تازگی همانقدر است که توده‌های موج برف برای کوری که نخستین بار بجهان دیده گشوده یا طنین شکوه‌مند موسیقی سنفونیک برای کری که نخستین بار قدرت شنوایی را بازیافته است. از میان دانش‌ها و اندیشه‌ها کدامیک برای آموزگار موسیقی درخور دل‌بستن است و یا آموزگار موسیقی با کدامیک از دانش‌ها و اندیشه‌ها سروکار دارد.

در وهله نخست موسیقی است که خاطره‌ها را بسوی خود می‌کشد و برخی از ما نیز در این مقوله به کار کودکان و نیز به تمامی جریان‌آموختن و آموزاندن موسیقی چشم‌عنایت دوخته‌اند.

در این مقال ما به سه بحث میپردازیم و هر یک را جداگانه پیش می‌کشیم:

در موسیقی تازه به چه چیز اطلاق می‌شود؟ موسیقی آسیائی‌ها، پلی‌نزی‌ها یا اعراب را بدشواری می‌توان گفت که تازه‌است ولی آیا ما (اروپائی‌ان) هرگز تاکنون کوشیده‌ایم که گوش خویش یا گوش جوانانی‌را که با ایشان سروکار داریم بر زیبایی‌های خاص این موسیقی‌ها بکشائیم.

درباره موسیقی نو بمعنای واقعی آن چه می‌گوئیم؟

می‌گویند بزحمت می‌توان در موسیقی نو چیز تازه‌ای یافت، اما آیا واقعا می‌دانیم که چگونه باید بدان گوش فراداد؟ چگونه آن را ارزیابی کرد و چگونه کودکان و جوانان را به شنیدن و درک آن یاری داد؟ اگر بتوانیم به پاره‌ای از پرسش‌های زیرین پاسخ گوئیم شاید بشود گفت که خود را تا حدودی بازمان تطبیق داده‌ایم فرم یا نقطه‌گذاری تغییر یافته موسیقی معاصر را چگونه تجزیه و تحلیل می‌کنیم؟ و آریاسون جدید دارای چه اصولی است؟ شیوه‌های تازه در تغییر مصالح کدامند؟ آیا ذوق و ادراک لازم برای بررسی موسیقی معاصر در ما وجود دارد؟ آیا سخن آموزگار خسته و شاید بسته آمده‌ای را که می‌گوید «هیچ چیز تازه‌ای موجود نیست» و کار آموزش را با همان راه و رسم و افکار کهنه ادامه می‌دهد بقبول طبع ما است؟

در زمینه خلاقیت و بداهه پردازی چه چیز تازه‌ای یافته‌ایم؟ اداره کنندگان دوران‌دیش بنیاد فورد زمین‌های فوق‌را درخور پژوهش‌های ژرف و بی‌گیرداشته و صرف مبالغ سرشاری پول را در راه این پژوهش‌ها ضروری و سودمند تشخیص داده‌اند. «پل هیوم» منقد نامدار آموزندگان موسیقی را ملامت می‌کنند که در کار برانگیختن خلاقیت در کودکان و هنرآموزان جوان یا بیای تحولانی که در امر آموزش و پرورش پدید آمده پیش نمی‌روند، اما شاید اصطلاح «خلاقیت» اندکی ما را خسته کرده باشد زیرا که از سال‌های بیست و سی به اینسو همواره نقل محافل تعلیم و تربیت بوده‌است. باری، بنا بر اعتقاد «پل تورانس» در سالیان اخیر پیشرفت صنعت این فرصت و قدرت را در اختیار ما گذاشته است که بیش از پیش به مطالعه و پروراندن خلاقیت کمر بندیم.

«آلیس میل» که یکی از پژوهندگان این مبحث است در کتابی که همین اواخر به‌زور طبع آراسته می‌نویسد «آن راه و سعی خلاقه‌است که بتواند میان چیزهای آشفته و بی‌پیوند گذشته ارتباط هماهنگی پدید آورد» - از نو در آمیختن مصالح مومنان‌ها، کلمات، رمزها و اندیشه‌ها و قابل فهم کردن آنها برای دیگران کاری



سخت ارجمند و نیازمند به تعمق و مطالعه است .

مسئلهٔ خلاقیت در اطفال از مسائلی است که کشف و پرورش آن مستلزم بکار بستن دقایق بسیاری است . چه بسا اتفاق افتاده است که از بداهه پردازیهای گونه گون و سرشار از غنای دانش آموزان در شکفت شده ایم . آیا هرگز از ایشان پرسیده ایم که در یک «سکانس هارمونیک» چند آهنگ مختلف می توانند بسازند ؟ یا روش های چندی را بمنظور شعله ور ساختن چرقهٔ خلاقیت در ذهن کودکان آزموده ایم ؟ کاش اگر «ریپ وان ونیکل» آن صاحب نظر نام آور از خواب بیست ساله اش برمیخاست و به دیدار کلاس های موسیقی ما می آمد به جای آهنگهای بیست سال پیش طنین نغمه های شورانگیز و مهیجی از موسیقی کهنه و نورا در اطاق های درس می شنید .

### در کودکان

معلم خسته و فرسوده می گوید «امادربارهٔ کودکان ، مطمئنم که چیز تازه ای نمی توان یافت» .

اما اگر هر معلمه ای ده یا پنج سال پس از ترک تدریس در حالی که خود مادری شده است به کلاس باز گردد بشما اطمینان می دهد که بسیاری چیزهای تازه دربارهٔ کودکان می توان یافت .

امروز ما بانسلی مواجهیم که زندگی با تلویزیون ، رادیو ، گرامافن و نوار های ضبط صوت در آمیخته است این عوامل سبب شده است که سطح توقع کودکان بالا رود و در کلاس درس از معلم موسیقی خود انتظار بیشتری داشته باشند . بسیاری از کودکان آهنگهایی را که در کلاس های موسیقی برای آنها می نوازند بی روح و ملالت بار احساس می کنند آنها نسبت به کارهای معلمین خود نظر انتقادی پیدا کرده اند . شاید آنان وجوه اشتباه یک معلم را در نواختن قطعه ای بر روی پیانو در نیابند ، اما بطور کلی تشخیص می توانند داد که اثر آنطوریکه باید اجرا نشده است گوش آنها با بسیار شنیدن آثار موسیقی سازان حرفه ای تا حدی ورزیده شده و یکنوع اعتیاد موسیقی پیدا کرده است . بدشواری می توان آثار دیگرگونگی های اجتماعی را بر زندگی خانوادگی نادیده گرفت .

چائیکه مادر گذشته از همکاری و حمایت فعالانهٔ پدرها و مادرها برخوردار بودیم امروز باید کودکان را با لطائف الحیل به مشق ویولن یا کلارینت خود واداریم . ما دیگر نمی توانیم روی مواظبت مادر از طفل در منزل حساب کنیم زیرا که بیشتر اوقات او در خانه نیست و از این رو کار تمرین نظم و ثمر بخشی لازم را از دست میدهد .

بعلاوه اغلب نظام فکری، جسمی و احساساتی خانواده‌ها که زمینه مساعد تعلیم و تربیت است در خانواده‌ها از هم گسیخته .

آری کودکان امروز محصول نیمه دوم قرن بیستم و دستخوش کلیه پراکنده‌گی‌ها و ناآرامی‌های محیط خود هستند .

### در آموختن و آموزاندن

شاید حتی معلم فرسوده و خسته نیز در این با ما هماهنگ باشد که جریان آموختن و آموزاندن در کار پیشرفت است ، آیا ما هم در امر تعلیم و تربیت موسیقی يك حالت پیش‌رونده و پرشور و حرکت داریم یا آنکه از قافله وامانده‌ایم تا آنکه چند سال دیگر بر سر نوشت نافرجام خویش اشک تحسّر بباریم .

از ۱۹۶۱ به اینسو برای کسانی که اندر کار آموزش و پرورش هستند کتاب «راه و رسم آموزش و پرورش» اثر «جروم . اس . برنر» راه‌نما بوده است . این کتاب در شمار سلسله انتشارات دانشگاه هاروارد بطبع رسید و با وجود کمی حجم به فصول مشبعی حاوی آخرین نظرات متخصصین تعلیم و تربیت و دانشمندان پژوهندگانی که در این رهگذر به حد اجتهاد رسیده‌اند ، پرداخته است .

یکی از نکاتی که «برنر» بدان التفات دارد ساختمان و پیکره نظامی است که طفل در آن تربیت می‌شود . او معتقد است که کودک بهتر و طبیعی‌تر می‌آموزد و تربیت می‌پذیرد اگر این نظام و مفاهیم اساسی آن از ابتدا مشخص و روشن شده باشد .

و اما «آلن بریتن» که تخصص او در آموزش موسیقی است می‌گوید . عبارت - بندی و نقطه‌گذاری از سائلی است که درک و استنباط دانش آموزان را نسبت به موسیقی سریع‌تر می‌کند . با توجه باین امر و سایر جوانب باید گزیده‌های بسیار دقیقی از نمونه‌های ارزشمند استخراج کرد و کار تعلیم را بر پایه آنها استوار کرد . ناگفته نماند که هر قدر این گزیده‌ها متنوع ، مرتبط به یکدیگر و فراوان باشند منظور بهتر برآورده خواهد شد .

شاید این فکرچندان تازه نباشد ، ولی آیا همیشه ما بهمان خوبی که می‌فهمیم می‌توانیم عمل کنیم ؟

«برنر» بر این اعتقاد است که اطفال كوچك نیز قادرند ، مانند موسیقیدان‌ها تفکر ، احساس و عمل کنند ، آیا ما میدانیم که «آرون کویلند» و «ترمان دلیو» در روزگار کودکی چگونه می‌اندیشیده و احساس و عمل می‌کرده‌اند ؟

آیا ما از همه پژوهش‌های جدید در زمینه آموزش موسیقی آگاهی داریم ؟ آیا



تا کنون بهترین و سودمندترین پژوهش ممکن در این رهگذر صورت پذیرفته است؛ آیا این سؤال را نباید پیش کشید که روشهای تازه تحقیق کدامند؟، شاید بهتر آن باشد که به فارغ التحصیلان مدارس بگوئیم «از شما استدعا داریم که خود به تحقیق برخیزید و پاسخ این پرسش ها را بیابید. چگونه در قلمرو موسیقی خلاقیت کشف کنیم و بر آن انگشت گذاریم؟ دانش آموزان را با چه شیوه ای گروه بندی کنیم تا رشد آنها در کار فراگیری موسیقی افزایش یابد؟ آگاهی نسبت به موسیقی مناسب برای کودکان کند ذهن (در اصطلاح روان پزشکان عقب افتاده **Mentally Retarded**) تا چه حدودی است.»

آیا در امر آموزش موسیقی تحولی پدید خواهد آمد.

«بهنه اندیشه ها بی منتهاست و این نوید وجود دارد که اندیشه روشنگر آموزگاران پژوهنده هر روز پرده از چیزهای تازه تری برگیرد. بهتر آنکه تکاپو و کاوش را همچنان ادامه دهیم.»

ترجمه اردشیر لطفعلیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی